

# رشد و توسعه کتابخانه‌های اسلامی<sup>۱</sup>

اثر: عبدالطیف عبدالله بن دوحیش

ترجمه: دکتر احمد شعبانی<sup>۲</sup> و محمود تفقیدی جامی<sup>۳</sup>

(ص ۱۱۵ تا ۱۳۶)

## چکیده

کتابخانه در جامعه اسلامی از مؤسسات مهم در رشد و توسعه تمدن اسلامی است. با گسترش تمدن اسلامی، شمار و انواع کتابخانه‌ها فزونی یافت. این کتابخانه‌ها مبنی بر کتابخانه‌های عمومی، اختصاصی، مدارس، مساجد، حکام و شخصی بوده که توسط خلفاء، امراء، و حاکمان تأسیس شده بود. در این مقاله، جنبه‌های متنوع توسعه آموزش و پرورش و استقرار کتابخانه به منزله سازمانهای کمک آموزشی مورد ارزیابی قرار گرفته و فهرستی از کتابخانه‌های مهم جهان اسلام در گذشته تاریخی ارائه می‌شود. **واژه‌های کلیدی:** آموزش و پرورش اسلامی، کتابخانه‌های اختصاصی، کتابخانه‌های اسلامی، کتابخانه‌های عمومی، کتابخانه‌های مساجد، نظامیه‌ها.

\*\*\*

---

1- Ibn Dohish, Abdul latlif Adbullah. "Growth and Development of Islamic Libraries. *Der Islam*. 66, No 2 (1989). PP.289-303.

۲- عضو هیأت علمی گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه اصفهان

۳- کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی

## سخن مترجمین

مقاله «رشد و توسعه کتابخانه‌های اسلامی» از محقق عرب، عبدالطیف عبدالله بن دوحیش ساکن مکه مکرمه، از مقالاتی است که اطلاعات غنی اخذ شده از منابع عربی در حوزه کتابخانه‌های اسلامی را در بر دارد. برخی از این اطلاعات برای نخستین بار در اختیار خواننده فارسی زبان قرار می‌گیرد. آن دسته از افراد که تعلق خاطری به تاریخ کتابخانه‌های عربی و اسلامی در اعصار قدیمه دارند، احتمالاً از یادداشتهای علامه فقیه محمد قزوینی و جوانب گفتاری آن دانشمند فاضل در یادداشتهای قزوینی در جلد ششم صفحات ۱۹۴-۱۹۸ که در فصلنامه کتاب (دوره یازدهم، شماره سوم، ۱۳۷۹) تحت عنوان «مسائل کتابداری در یادداشتهای قزوینی» در صفحات ۱۰۰-۱۰۸ تجدید چاپ شده، آگاهی دارند به نحوی این مقاله در استمرار اطلاعات مأخوذ از آن پژوهشگر در خاک خفته است. مباحثی که ابن دوحیش ارائه می‌کند به واقع جای تأمل و دقت در آثار پژوهشگران ایرانی دارد، و فصلی نور را در آثار فعلی می‌گشاید که همچون مقاله محقق معروف اردنی ربیحی مصطفی الایان موسوم به «تاریخ کتابخانه‌های اسلامی از قرن هفتم تا چهاردهم میلادی» در مشکوة (شماره ۳۵، تابستان ۱۳۷۱) در صفحات ۲۶-۴۶ می‌باشد. در ترجمه این اثر، به منظور دقت در ترجمه اعلام از آن جمله نام کسان، امکان، و عناوین کتب و رسایل که به کثرت در متن آمده، از دیدگاه‌ها و فضل بی‌کران اندیشمند مقیم شیراز علی اصغر سیفی به میزان درخور بهره‌جویی شد. مترجمین از شکیبایی آن استاد و دقت نظر در تأثیرگذاری بر ترجمه اثر سپاسگزاری می‌کنند.

\*\*\*

موجودیت کتابخانه در جامعه اسلامی بیانگر رشد و توسعه تمدن اسلامی بوده، زیرا نتیجه و انعکاس این گونه جوامع محسوب می‌شود. با گسترش تمدن اسلامی، شمار کتابخانه‌ها افزایش یافت و کیفیت آنها متنوع گردید. این کتابخانه‌ها مشتمل بر انواع کتابخانه‌ها: عمومی، مساجد، مدارس و بیمارستان یا کتابخانه‌های

حکومتی<sup>۱</sup> بود که به توسط خلفاء امرا و حکام، و موارد شخصی متعلق به علمای مذهبی، فقها و دیگران تأسیس شده بود. بیشتر اندیشمندان دنیای اسلام بر این عقیده‌اند که رشد کتابخانه در اسلام، نتیجه موجودیت مسجد بوده که رابطه نزدیکی با آن داشته است. حلقه‌های درس (حلقه‌الدرس) در علوم مختلف اسلامی در مساجد تشکیل می‌شد. بدین ترتیب، مسجد الحرام در مکه مکرمه و مسجد النبی در مدینه منوره و مساجد بسیار دیگری در قلمرو فتح شده، میعادگاه افراد و گروههایی بود که به دنبال فراگیری دین اسلام و ویژگیهای آن بودند. یک روحانی در مسجد می‌نشست و مدیران به دورش حلقه می‌زدند. وی آنچه را که رب دربارۀ دین و دنیا به او آموخته بود، به آنها آموزش می‌داد. طلاب این سخنها را به نقل از استادان نوشته و جمع می‌کردند. بعدها این مجموعه‌ها کتب و آثار طلاب مزبور می‌شد. این شکل بیانگر آغاز حلقه‌های درسی و جلسات امالی بود. مورد ثانوی، یعنی جلسات امالی با ظهور کتابهای متعددی تحت عنوان امالی به ثمر رسید. حاجی خلیفه در *کشف الظنون* فصلی ویژه را به آن اختصاص داده است. از جمله این موارد، کتابهای امالی القالی، ثعلب الزجاجی، ابن درید، و بدیع الزمان همدانی است<sup>(۱)</sup>.

در آغاز قرن دوم هجری، نهضت تألیف تحول یافت و توجهی لازم در مرحله نخست به تألیف سخن نبوی و بعد به مغازی و سیر شد. زیرا این موارد کمک قابل توجهی در مطالعه قرآن کریم و احادیث نبوی بود. سپس دوران تألیف کتاب در رشته‌های متفاوت مطالعات اسلامی و عربی پدید آمد. بر این قرار کتب در سطح گسترده‌ای تألیف شد و تعداد آنها به سرعت افزایش یافت. مؤلفین این آثار، معمولاً نقل قولهایی از یک سلسله مفسرین نقل می‌کردند که میزان اعتبار و اطمینان سخن آنها آشکار بود.

قرن دوم هجری نیز دوران توجه وافر و انتظار فوق‌العاده در فعالیتهای ترجمه بود. ابن جُلّ جُلّ در *طبقات* نقل می‌کند که اثر احرم بن اعین در طب به دورۀ مروان بن الحکم به عربی ترجمه گردید و اینکه عمر بن عبدالعزیز آن را برای استفاده عموم آماده ساخت. این موضوع موجب تألیف و کثرت کتب در انواع رشته‌های

علوم اسلامی شد. از آنجا که کتابها در صحن<sup>۱</sup> و عظم مساجد بوجود می آمد، کتابخانه ها نیز در چنین مکانهایی راه اندازی گردید. بدان سبب است که مسجد در اسلام نه تنها محل عبادت، بلکه مرکز نشر پیام اسلامی و سرچشمه تفکر نظری می باشد.

ظاهراً کتابخانه های مساجد نخستین کتابخانه هایی هستند که مسلمانان در اسلام تأسیس کردند. در بین مسلمین رسم بود که در طول دوران اسلام نسخه هایی از قرآن، کتابهای تفسیر، حدیث، فقه، و عقاید که توسط عالمان دینی تألیف شده به مساجد سپرده می شد. این آثار در مساجد حفظ می گردید، تا مردمی که برای عبادت به آن مکان مقدس آمده و یا به فراگیری و مطالعه علاقمند بودند از آنها بهره مند شوند. بر این قرار، هر اندازه که مسجد محل عبادت بود، مرکزی برای مطالعه در انواع رشته های علمی نیز برای سطوح متفاوت محسوب می شد. تدریس در مساجد برای مدت زمان طولانی قابل ملاحظه ای ادامه داشت تا اینکه در سالهای بعد، مدارس نظامیه در اواسط قرن پنجم هجری قمری تأسیس شد. با این احوال، حتی بعد از تأسیس مدارس نظامیه، مساجد به ایفای نقش خود می پرداختند. در حاشیه بیشتر این مساجد، به ویژه موارد برجسته آن کتابخانه هایی انباشته از کتاب و نسخ خطی ارزشمند قرار داشت. برخی مساجد مهم مراکز روشنفکری و ادبی مهمی بودند که با اشتیاق مطالعه در آنها پی گیری می شد و طلاب و مدرسین از سراسر گیتی به سوی آنها سرازیر می شد. حلقه های درس در این مساجد تشکیل می شد، دقیقاً به شکل مواردی که در مسجد الحرام مکه، مسجد النبی مدینه منوره، مسجد الاقصی بیت المقدس و به مانند دیگر مساجد معروف ممالک مختلف اسلامی، چونان الازهر در قاهره، مسجد الاموی در دمشق، و دیگر مساجد در بغداد، تونس، مغرب، آندلس و دیگر بلاد تشکیل می گردید.

این مساجد مجموعه کتابهای مهمی در موضوعات گوناگون را در بر داشت.

آنها دارای آثار وقفی و اهدایی بودند که توسط علمای اسلامی در دوران گذشته به رشته تحریر آمده بود. به نظر می‌آید، مرسوم بود که بسیاری از علماء بعضی از کتابها و یا کلیه کتابخانه خود را به عنوان وقف به مسجد قریه یا شهر خود اهداء می‌کردند. به همین لحاظ، ابن خلکان نقل می‌کند که ابونصر احمد بن یوسف السلوکی المنازی (متوفی ۴۳۷ هـ ق / ۱۰۴۵ م) مجموعه کتاب بزرگی داشت که به صورت وقف به جامع میافارقین و جامع اسد اهداء کرد. در زمان او، کتابهای مزبور در هر دو مسجد محفوظ باقی ماند و به عنوان آثار المنازی معروف بود<sup>(۲)</sup>. به علاوه برخی از خلفا و حکام رسم داشتند بسیاری موارد ارزشمند را به مساجد اهداء کرده تا در مقابل ثواب آن را از خداوند دریافت کنند. این گونه موارد گاهی اوقات شامل کتاب نیز می‌شد. یاقوت حموی نقل می‌کند که وقتی شهر مرو را در سال ۶۱۶ هـ ق / ۱۲۱۹ م. ترک کرده، ده کتابخانه وقفی وجود داشت که مشتمل بر مجموعه‌های بزرگی از کتاب بود که در هیچ نقطه گیتی در آن دوره پیدا نمی‌شد. دو مورد از این‌گونه کتابخانه‌ها در مسجد جامع واقع بود. مجموعه یکی از آنها حدود دوازده هزار جلد بالغ می‌شد.<sup>(۳)</sup>

مثالی از کتابخانه‌های اسلامی همراه با مساجد، هنوز هم در طی روزگار ما در اکثر کشورهای عربی و اسلامی قابل مشاهده است، از جمله مسجد الحرام در مکه مکرمه، مسجد النبی در مدینه منوره، جامع الازهر در قاهره، جامع بنی‌امیه در دمشق، جامع الزیتونه، جامع المنصور در تونس، جامع المنصور در بغداد، مسجد قرطبه، طلیطله، بلادالمغرب و الجامع الکبیر در صنعا. هر یک از این مساجد دارای کتابخانه‌های بزرگ مملو از نسخ خطی منحصر به فرد و آثار چاپی در موضوعات گوناگون بوده و می‌باشند. در حالی که این کتابخانه‌ها در مساجد جای داشتند، صدها سال قبل تأسیس شده بودند. از این حیث، کتابها با موضوعات متنوع شامل مواردی بود که توسط حکام و علما اهداء شده و همواره به مرور زمان در طول دوران تاریخ اسلام، شمار آنها رو به افزایش بود. ضمناً به نظر می‌رسد که در برخی از مساجد بزرگ بیش از یک کتابخانه وجود داشته است. بر این قرار، یاقوت

می‌گوید: "در دوران وی دو کتابخانه از این موارد در "الجامع الکبیر (مسجد اعظم) در مرو وجود داشت. یکی از آنها موسوم به "العزیزیه" بود. این کتابخانه به توسط شخصی موسوم به "عزیزالدین ابوبکر" اهداء شده بود. کتابخانه مزبور دوازده هزار جلد کتاب داشت. یاقوت ادامه می‌دهد، "کتابخانه دیگر بنام "الکمالیه" بود و آشکار نیست که این کتابخانه منسوب به چه کسی بوده است." (۴)

بایستی اشاره کرد که این کتابخانه‌ها اغلب در معرض دزدی، غارت، آتش‌سوزی، و سیل بوده به طوری که موجب کاهش عظیم و خرابی کامل قسمت اعظم مجموعه‌های آنها می‌شد.

به موازات کتابخانه‌های مساجد، نوع دیگری از کتابخانه‌ها نیز پدیدار شد. آنها کتابخانه شخصی (المکتبه الخاصه) بودند که در منازل جانشینان، خلفا، حکام، و وزراء قرار داشت. به همین لحاظ گفته شده که سعدبن عباده الانصاری صاحب کتاب یا کتبی بود که شامل مجموعه‌ای از احادیث پیامبر اکرم (ص) می‌شد. (۵) به همین قرار، عبدالله بن مسعود علاوه بر صحیفه معروفش (رساله‌ای شامل مجموعه‌ای از حدیث)، صاحب چندین رساله مکتوب به خط خودش بود. علاوه بر این اسما دختر امیه، صاحب کتابی (رساله‌ای) بود که در آن تعدادی از احادیث پیامبر (ص) را جمع آورده بود. به علاوه، ابوهریره (ره) کتابهای (رساله‌ای) بسیاری مشتمل بر حدیث داشت. همچنین عبدالله بن عمر بن عاص عادت به حفظ کتابهایش (رساله) داشت و صحفی (رساله‌ای) را که در صندوقی با حلقه‌هایی می‌بست، نگاهداری می‌کرد. به مانند او، عبدالله بن عباس کتابهای بسیاری داشت که وزن آنها به یک بار شتر می‌رسید. (۶)

همچنین عبدالله بن عمر (ره) صاحب تعداد زیادی کتاب بود که شامل آثار نایاب و برجسته بسیاری می‌شد. هرگاه به بازار کتاب می‌رفت، کتب را ورق می‌زد. چونان وی، عروه بن الزبیر کتابهای زیادی داشت که در جنگ حر در آتش سوخت. وی از فقدان آنها محزون شد و گفت: "آرزو داشتم که کتابها را برای اقوام و وراث خویش می‌گذاشتم." (۷)

ابوقلابه عبدالله بن زید، شخصیت مشهوری که کتابهایش را به ایوب السختیانی وقف کرد. هنگامی که کتب را برای وی به ارمغان آوردند، وزن آنها به اندازه یک بار شتر بود. حسن البصری در این باره گفت: "بعضی انسانها معظم هستند، آنها از این کتب مراقبت خواهند کرد." (۸) در عصر امویان و عباسیان دانشمندان بسیار زیادی می‌زیستند که خود را وقف جمع‌آوری و حفاظت کتاب در علوم و زبانهای مختلف کرده بودند. معروفترین آنها ابن شهاب الزهری (متوفی ۱۲۴ ه.ق.) بود که صاحب مجموعه بزرگی از کتاب بود. در منزل، وی خود را وقف مطالعه کرده و پیرامون وی از کتب انباشته بود. مؤانست بیش از حد او با کتاب موجب شد تا روزی همسرش اظهار کند: "سه زن دیگر را در خانه در برابر عشقش به کتاب ترجیح می‌دهم." (۹) ابو عمر بن العلاء (۷۰-۱۵۴ ه.ق.) عالم دیگری بود که نه تنها صاحب مجموعه بزرگی از کتاب بود، بلکه چندین کتاب در زمینه علم بلاغت عربی نوشته بود. (۱۰) فراتر از این مطالب، کتابخانه‌هایی منسوب به جابر بن حیان (متوفی ۲۰۰ ه.ق.) و امام الشافعی (متوفی ۲۰۴ ه.ق.) نیز مالک کتابهای بسیاری بود. (۱۱) به نحوی مشابه، کتابخانه محمد زکریای رازی (متوفی ۳۱۱ ه.ق.) دارای تعداد زیادی صندوقهای بزرگ انباشته از کتاب بود. محمد بن نصر الحاجب (متوفی ۳۱۲ ه.ق.) نیز مجموعه بزرگی از کتاب در موضوعات مختلف داشت. (۱۲) علاوه بر این، گفته می‌شود که ابوبکر الصولی صاحب یک سرای بزرگ پر از کتاب بود. در میان بزرگترین کتابخانه‌های شخصی اسلامی، کتابخانه بنومروان بود که فقط تعداد فهرست عناوین کتب بالغ بر چهل و چهار جلد می‌شد که برخی از آنها شامل عناوین ادبی بود. (۱۳)

کتابخانه مذکور (که شمار فهرستهای آن به تنهایی چهل و چهار جلد بود) توسط خلیفه اموی حکم ثانی بوجود آمد، خلیفه مزبور علاقه زیادی به ایجاد و گسترش این کتابخانه به منزله یادگاری از خویش داشت. برای این منظور، وی

کارگزارانی را جهت ابتیاع کتب به کشورهای مختلف اعزام کرد. نقل است که وی آرزو داشت کتاب معروف الاغانی را از ابوالفرج، که وی آن را به خاندان بنی‌امیه تقدیم کرده بود، به تملک درآورد. بر این قرار، هزار دینار طلای خالص فرستاد تا ابوالفرج، قبل از خروج به عزم عراق، نسخه‌ای از آن برایش ارسال کند. حکم به منظور بنیاد و توسعه کتابخانه شخصی خویش نساخان ورزیده را در سرای خویش استخدام کرده بود که در استنساخ ماهرو در صحافی شایسته بودند. (۱۴)

یاقوت نقل کرده که کتابخانه صاحب‌بن‌عباد (متوفی ۳۸۵ هـ) دارای ۶۲۰۰ جلد کتاب بود که فهرستهای آن به تنهایی شامل ده جلدی می‌شد. (۱۵) به علاوه در حالی که کتابخانه‌ی العزیز الفاطمی دارای ۱/۶۰۰/۰۰۰ جلد کتاب بود. (۱۶) مجموعه کتابهای وزیر مهلبی شامل ۱۱۷/۰۰۰ جلد می‌شد. به همین صورت، شمار کتابهای عصامه بن منقح به ۴۰۰۰ جلد می‌رسید که توسط صلیب‌یون به غارت رفت، با ناراحتی از این واقعه حزن‌انگیز، می‌گفت که، "فقدان این کتب دلیل غصه‌ام در طول زندگی است". به علاوه طبق بیان قفطی، ابن‌سینا گفته است که از نوح‌بن‌منصور سلطان بخارا درخواست کرده بود که اجازه دهد تا آنچه را در کتابخانه‌ی صوان‌الحکمه بود، آگاهی یابد. وی گفته که تقاضایش مورد قبول واقع شد و به فهرست کتابهای الاوائل دست یافت و هر آنچه را نیاز داشت درخواست می‌کرد. (۱۷)

در طول بیماری ابن‌تیمیه در سال ۷۲۸ هـ. که موجب فوتش شد، از هر گونه نگارشی منع شده بود، لذا تمام کتب، کاغذ، دوات، و قلمها از دسترس او دور بود. اما قبل از بیماری انبوهی از مطالب مکتوب را از خود به یادگار گذاشت. روایت شده که تعداد کتب و آثارش به صدها جلد می‌رسید، که به کتابخانه‌ی العادلیه واگذار شده بود. طبق نظر یکی از مورخین البرلالی<sup>۱</sup>، تعداد این موارد به شصت جلد و چهارده مجموعه می‌رسید. (۱۸) مورخ معروف ابوشامه، مؤلف کتاب‌الروضتین تمام کتابخانه شخصی خود را که مشتمل بر شمار زیادی از کتابها در موضوعات متنوع



اسلامی بود به این کتابخانه (العادلیه) اهداء کرده بود. (۱۹)

التاج الکندی یکی از علمای بزرگ دمشق بود. او زبان شناس، نثر نویس، شاعر و لغوی بود. وی معلم خصوصی پادشاهان ایوبی چونان امجد بهرام شاه، عزالدین فرخ شاه و ملک المعظم عیسی بود. او در یک مقصوره (حجر خصوصی) در مسجد بنی امیه مشهور به "المقصوره التاجیه" تدریس می کرد. این مکان در حاشیه شمال شرقی مسجد قرار داشت. این مقصوره حاوی یک کتابخانه عمومی نیز بود. ابوشامه مورخ، فهرستی از این کتابخانه را به دست خط تاج الکندی به دست آورده بود. شمار کتب به ۷۶۱ جلد می رسید که تقسیمات آن به شرح زیر است:

|  |         |
|--|---------|
| الف. علوم قرآنی، حفظ، تفسیر و قرائت یا تجوید | ۱۴۰ جلد |
| ب. علوم حدیث و اصطلاحات ویژه آن              | ۱۹ جلد  |
| ج. علم فقه و اصول آن                         | ۳۹ جلد  |
| د. زبان عربی                                 | ۱۴۳ جلد |
| ه. ادبیات، بلاغت و معانی                     | ۱۲۲ جلد |
| و. صرف و نحو                                 | ۱۷۵ جلد |
| ز. علوم قدیمه پزشکی و غیره                   | ۱۲۳ جلد |

کتابخانه دارای شماری فهرست و نمایه بود. کلیه کتبی را که کتابخانه دریافت می کرد در فهرست درج می شد. (۲۰) سواى کتابخانه‌های عالمان دینی، فقهاء و ادباء، کتابخانه‌های شخصی نیز در منازل خلفاء امراء و ثروتمندانی که با فراهم آوری خدمات مالی در خدمت آنها بودند، موجود بود. دلیل اصلی استقرار این کتابخانه‌ها تعلیم و تربیت و احراز شخصیت، درباریان و بستگان آنها تلقی می شد، و به نحوی آشکار، با این هدف ایجاد می شد تا شاید گروه معدودی از مردم، از جمله دوستان، همکاران، علما و پژوهشگران از آنها بهره مند شوند.

وضعیت کتابخانه‌ها در طول زندگی پشتیبانان آنها چنین بود. بعد از وفات، برخی از کتابخانه‌ها به خاطر علاقه طالبانی که در جستجوی علم بوده، یا به عنوان جانشین‌های رسمی که علاقمند به کتاب بودند، به ارث باقی ماند. در مواردی غیر، آنها را به کتابخانه‌های مساجد، کتابخانه‌های مدارس یا کتابخانه‌های عمومی

می بخشیدند. بر چنین روندی بود که مجموعه کتب یک عالم متوفی به دست خریداران کتاب به عنوان بخشی از کالایی که آنها را ابتیاع کرده، می رسید. بعدها، علماء صاحب کتابخانه های شخصی شدند که آنها را از فروشندگان کتاب خریده و در کتابخانه خویش حفظ می کردند.

با افزایش فتوحات اسلامی، فاتحان تعداد بسیاری از کتابهای مهم در موضوعات مختلف را در سرزمینهای فتح شده، به دست آوردند. آنها از کتب به خوبی نگاهداری کرده، و افراد اهل مطالعه از آنها استفاده می کردند، و اقدامات لازم را برای ترجمه کتب مفید به زبان عربی انجام می دادند. در کنار فعالیتهای ترجمه، کتابهای مستقل تألیفی هم آغاز به نوشتن شد. در نتیجه، شمار زیادی کتاب و آثار ترجمه شده در رشته های مختلف از موضوعات سودمند حاصل شد. خلفای بزرگ و امراء نیز علاقه وافری به کتاب داشتند، و مبالغی به علمای مذهبی و مؤلفین برای فعالیتهای فرهنگی اهداء می کردند. برخی از آنها به نویسندگان برابر وزن کتاب طلا هدیه می دادند. این کار به منظور تشویق آثار ترجمه و تألیف صورت می گرفت تا علایق ذهنی علماء و نویسندگان دنیای اسلام را به سوی اعتلاء سوق دهد. این تشویق در فعالیتهای ترجمه و تألیف تحولی در جنبش فرهنگی به وجود آورد که کتابهای بسیاری را به رشته تحریر آورد. با افزایش تعداد کتب، شمار کتابخانه های شخصی و عمومی بیشتری تأسیس گردید. ممالک اسلامی در بنای کتابخانه های عمومی در شهرهای عمده در رقابت با یکدیگر بودند. به نحوی مشابه خلفاء علماء، فقها، و مؤلفین در تأسیس کتابخانه در مساجد، کاخها، منازل، مدارس و مناطق مرزی احساس افتخار می کردند. از علماء انتظار می رفت که بر این کتابخانه ها مراقبت کرده و در مجموعه موجود آنها امکانات مفیدی فراهم کنند. بر این قرار، به منظور تقویت کتابخانه ها و نتایج سودمند، کمکهای مالی عظیمی توسط خلفاء، امراء، و اغنیاء ارائه می شد. این عمل موجب پیدایش نوعی جدید از کتابخانه شد: کتابخانه عمومی. این کتابخانه با کتابخانه های مساجد و کتابخانه شخصی تفاوت داشت. زیرا، از نظر فضا بزرگتر بود و مجموعه بیشتری را در برداشت.

نخستین بار کتابخانه های عمومی زمانی ظاهر شد که پیش از آن کتابخانه های مساجد و شخصی تأسیس شده بود. لذا این کتابخانه ها، در کنار نهادهای مشابه

خود قرار گرفت و نقش اصلی و فعالی را در زمینه دانش و آموزش ایفا کرد، در طول چندین قرن میراث فرهنگ اسلامی را نگاهداری کرده و در مقابل عواملی چون اناتلاف، خسارت، یا دزدی حفظ می‌شدند. این موضوع به وضوح پیشرفت اسلام را در گرایش معنوی سودمند خود نشان می‌دهد.

از دیدگاه تاریخی، تأسیس نخستین کتابخانه عمومی در دو دهه ۴۰-۶۱ هجری قمری در دمشق ذکر شده است. این کتابخانه که به نام بیت‌الحکمه بود، در ساختمان بزرگی بنا شده و مجموعه بزرگی از کتاب داشت.

جانشین وی خالد نیز یک کتابخانه عمومی با موضوعات خاص بنا کرد. وی تعداد زیادی کتاب را به خصوص در حوزه شیمی جمع‌آوری کرده و به آنها علاقه داشت. به جهت علاقه ویژه به این زمینه، مجموعه عظیمی از کتابهای شیمی را فراهم آورده و برای ترجمه عربی کتابهایی که درباره این موضوع بود نظم و ترتیب داد. بر این مبنا مبالغ قابل توجهی صرف می‌کرد. در حقیقت او نخستین شخصی است که ترجمه آثار یونانی و قبطی را به عربی مورد توجه قرار داد. (۲۱) در نتیجه، به لحاظ تشویق فراوان برای تألیف کتاب در حوزه شیمی، شماری از کتابهای ترجمه پدیدار گشت. هنگامی که عباسیان بر مسند قدرت نشستند، خلیفه‌المنصور (۱۳۶-۱۵۸) توجه قابلی به کتاب و کتابخانه داشت و بزرگترین کتابخانه را در بغداد موسوم به "دارالحکمه" تأسیس کرد. این کتابخانه، بزرگترین کتابخانه عمومی اسلامی در ایران آن دوران بشمار می‌رفت. المنصور، تلاش برای تهیه و تألیف موضوعات اسلامی متفاوت را به طور کلی مورد تشویق قرار داده و اقدامات ویژه‌ای برای ترجمه آثار یونانی در موضوعاتی مانند طب، نجوم، و فلسفه به عربی ترتیب می‌داد. بدین طریق شماری چند آثار ترجمه فراهم گردید، خلیفه این مواد را در "دارالحکمه" جای داد. در همان زمان وی دستور داد تا از تمام کتابهای ترجمه و تألیف برای استفاده شخصی استنساخ شود و با دیدگاه اشاعه دانش در میان امت اسلامی آنها را به کشورهای متفاوت اسلامی ارسال می‌کرد.

در عصر سلسله عباسی، خلیفه هارون‌الرشید (۱۷۰-۱۹۳ هـ) نیز به دارالحکمه توجه داشت و افزایش قابل توجهی در مجموعه موجود خلیفه‌المنصور بوجود آورد. او تعداد زیادی از کتابهای عربی اصل و ترجمه و نیز کتابهایی به

زبانهای دیگر که اکثر آنها را در طول فتوحات در سرزمین روم و در بازارهای آسیایی و نقاط دیگر فراهم آورده بود به این کتابخانه افزود. وی کلیه این مواد را در کتابخانه "دارالحکمه" برای استفاده از علمای مذهبی، فقهاء، و ادباء، به امانت گذاشت. به اضافه، خلیفه آثار تالیفی و ترجمه را نیز تشویق کرده و بدین منظور هدایا و جوایزی ارائه می‌کرد.

در دوره خلافت مأمون (۱۹۳-۲۱۸ هـ ق) فعالیت‌های ترجمه و تألیف کتاب رشد بیشتری یافت. وی کتابهایی از کشورهای مختلف دنیا را جمع‌آوری و مترجمانی را برای برگرداندن کتابها به زبان عربی منصوب کرد. در نتیجه، در طول قرون دوم و سوم هجری قمری، جنبش ترجمه و تألیف تحول عمیقی را به دست آورد. این دوره با ظهور کاغذسازی و توسعه آن همراه بود، بر این قرار کاغذسازی به سرعت رشد یافت و مردمی که به این حرفه جلب شده بودند، به عنوان مستنسخ یا وراقون معروف بودند.

طبق نظر ابن خلکان، این وراقون معمولاً استنساخ و تصحیح و تجلید کتاب را بر عهده داشتند. در عصر ما، شاید این کارها با چاپ و صحافی کتاب<sup>۲</sup> مورد مقایسه قرار گیرد. وراقون برای این صنعت جدید بازار بزرگی در بغداد به دست آوردند که در آن بیش از یک صد مغازه کاغذفروشی وجود داشت. این مغازه‌ها نه فقط محلی برای استنساخ و تجلید بود، بلکه یکی از بزرگترین اماکن وعظ علماء و شعراء و محل دیدار افراد صاحب فرهنگی بود که خود را با هر مطلب جدیدی در دنیای کتاب سرگرم می‌کردند. این مکانها، همچنین محل اجتماع بحث پیرامون عناوین ادبی مختلف بودند.

از جمله نویسندگان و عالمان برجسته دوران فترت، امام شافعی (متوفی ۲۰۴ هـ ق) مؤلف بیش از صد جلد کتاب؛ جابر بن حیان (متوفی ۲۰۰ هـ ق) مؤلف بیش از سیصد اثر، جاحظ که بیش از صدویست جلد کتاب تحریر کرد - آن چنانکه در آغاز الحیوان ذکر می‌کند؛ و محمد بن زکریا رازی (متوفی ۳۱۱ هـ ق) نویسنده بیش از دویست و پنجاه کتاب نامبرده می‌شود. (۲۲)

با گفتگو درباره کتابخانه‌های مشهور در اسلام، فلقشندی در صبح‌الاعشى می‌گوید: "در دوران اولیه، خلفا و پادشاهان به مجموعه‌سازی کتاب علاقه زیاد داشته و توجه وافری داشتند. در نتیجه کتابخانه بزرگی بنا می‌کردند. نقل است که در دنیای اسلام، سه کتابخانه عظیم وجود داشت که شاید به منزله بزرگترین کتابخانه‌ها به شمار می‌آیند. (۲۳)

نخستین مورد، کتابخانه خلفای عباسی معروف به دارالحکمه بود، این کتابخانه دارای آثار ارزشمند بی‌شماری بود. کتابخانه مزبور تا عصر تهاجم تاتار به بغداد در سال ۲۵۶ ه.ق. باقی ماند، زمانی که واپسین خلیفه عباسی توسط هلاکوبه قتل رسید. در این تهاجم، کتابخانه مزبور تخریب شد و به کلی چنان ویران گردید که هیچ اثری از آن موجود نیست.

اما در باب موارد دوم و سوم از بزرگترین کتابخانه‌های دنیای اسلام، کتابخانه فاطمیان در قاهره و کتابخانه امویان در قرطبه بود. این کتابخانه‌ها، نقش عمده و مهمی در حفظ میراث اسلامی داشتند. (۲۴) تنها خلفا و شاهزادگان اموی و عباسی در پیدایش کتابخانه‌های عمومی مؤثر نبودند، بلکه بسیاری از کشورهای اسلامی آن دوران نیز علاقه و توجه مشابهی به کتاب و کتابخانه، آن گونه که در عصر اموی و عباسی بود، از خود نشان دادند. بنابراین بی‌تردید، شمار زیادی از کتابخانه‌های عمومی در دنیای اسلام پس از آن تحت عنوانهایی چون "بیت‌الحکمه"، "دارالحکمه"، "دارالعلم" یا "خزانة‌الکتب" پی‌ریزی گردید. بدون ارائه فهرستی کامل، کتابخانه‌های ذیل، که در آن زمان در کشورهای اسلامی تأسیس گردید، در اینجا به عنوان نمونه ذکر می‌شوند:

۱. بیت‌الحکمه: تأسیس توسط اقلیدس<sup>۱</sup> در فیروان در اواخر قرن سوم هجری.
۲. دارالحکمه: تأسیس توسط فاطمیان در قاهره در اواخر قرن چهارم هجری.
۳. دارالعلم: تأسیس توسط الحکیم الفاطمی در قدس.
۴. خزانة‌الحکمه: تأسیس توسط الفتح بن خاقان، وزیرالمتوکل. بنیانگذار این کتابخانه در سال ۳۴۷ ه.ق به قتل رسید. در سخن از این کتابخانه، ابن ندیم

آورده، "از نقطه نظر بهترین و عالی ترین مجموعه کتاب در علوم و ادبیات، آنرا بزرگترین کتابخانه ای که مشاهده کرده، یافته ام".

۵. خزانه الحکمه: پیدایش توسط علی بن یحیی المنجم (متوفی ۲۷۵ هـ ق / ۸۸۸ م) این کتابخانه در حومه قفص<sup>۱</sup> قرار داشت. عامه از شهرهای مختلف نه فقط، غالباً از آن دیدار کرده، بلکه در آنجا اقامت گزیده تا از کتابهایی در موضوعات مفید گوناگون بهره مند شوند.

۶. دارالعلم: تأسیس به وسیله جعفر بن حمدان الموصلی (متوفی ۳۲۳ هـ ق / ۹۳۴ م). در موصل. یاقوت توصیف این کتابخانه را با چنین بیانی ارائه می کند: "این کتابخانه مشتمل بر یک مجموعه کتاب در تمام علوم بود. برای استفاده کلیه پژوهشگرانی که به دنبال دانش بوده همچونان میراثی قرار داده بودند. بر این قرار هیچ کس مانع دسترسی به آن نمی شد. حتی اگر یک غریبه مایل به ورود به کتابخانه بود مانعی برای او وجود نداشت.

۷. دارالعلم: تأسیس توسط شاپور بن اردشیر در بغداد به سال ۳۸۳ هـ ق شمار کتب آن به ده هزار جلد می رسید که فهرست خاصی برای آنها تهیه شده بود.

۸. صوان الحکمه: تأسیس به توسط منصور بن نوح سامانی، که در بخارا به سال ۳۶۶ هـ ق وفات یافت. کتابخانه مزبور دارای آثار جالب بسیار زیادی بود.

۹. دارالعلم: تأسیس به توسط الشریف الرازی (متوفی ۴۰۶ هـ ق).

۱۰. دارالعلم: تأسیس به توسط ابن البقاء، قاضی القضاة بصره که در سال ۴۹۹ هـ ق / ۱۱۰۶ م. وفات یافت.

۱۱. دارالعلم: بنیاد آن در بغداد به توسط ابن المارستانی که در سال ۵۹۹ هـ ق / ۱۲۰۳ م. وفات یافت.

۱۲. کتابخانه الحکم ثانی: امویان اسپانیا نیز توجه خاصی به جمع آوری و نگهداری کتاب داشتند. بر این قرار کتابخانه خلیفه الحکم ثانی به جهت نسخ خطی نایاب در موضوعاتی چونان علوم اسلامی، زبان عربی، تاریخ، طب و فلسفه بسیار معروف بود.

۱۳. کتابخانه‌های نظامیه: علاوه بر کتابخانه‌های یاد شده، چهارمین گونه از کتابخانه‌ها به منزله کتابخانه‌های تخصصی (المکتبة المتخصصیه) معروف بود. در آغاز این کتابخانه‌ها در مدارس بزرگ و دیگر مؤسسات علمی دنیای اسلام بوجود آمد. قدیمی‌ترین آنها، کتابخانه نظامیه در بغداد بود. این کتابخانه توسط وزیر سلجوقی، خواجه نظام‌الملک (متوفی ۴۸۵ هـ.ق / ۱۰۹۲ م) ایجاد شد تا نیازهای نظام آموزشی جدید معرفی شده به وسیله وی رفع شود. از دیدگاه تاریخی، گونه کتابخانه‌های مذکور، با ظهور مدرسه نظامیه بغداد طی نیمه دوم قرن پنجم هجری ظاهر شد. به همین صورت، کلیه مدارس جدید به شیوه مدارس نظامیه ساخته شد که با کتابخانه‌ای غنی تدارک یافته بود، که کتابهای مرتبط با برنامه‌های درسی جدید مقرر این مدارس را داشتند. هنگامی که خلیفه‌الناصرالدین‌العباسی در سال ۵۸۹ هـ.ق / ۱۱۹۳ م به خلافت رسید، توجهی به تجدید بنای مدرسه و کتابخانه مبذول داشت و شماری از کتابهای ارزشمند و نایاب را که به سهولت قابل دستیابی نبود به آن اضافه کرد. نقل شده که شمار فهرستهای آن به تنهایی به بیش از شش هزار جلد بالغ می‌شد. (۲۵)
۱۴. خزانه‌المدرسه المستنصریه: مدرسه المستنصریه توسط خلیفه عباسی المستنصر در سال ۶۳۲ هـ.ق. / ۱۲۳۳ میلادی در بغداد بنا شد. این مکان با دانشگاه در دوران نوین قابل مقایسه است. بعد از بنیاد آن، به توسط خلیفه آن را نامگذاری کرده و دارای یک کتابخانه عظیم بود. نقل است که شمار کتابهای آن در روزگشایش، به هشتاد هزار جلد می‌رسید. (۲۶)
۱۵. خزانه‌القاضی الفاضل: به نام بنیانگذار آن قاضی الفاضل، وزیر صلاح‌الدین (۵۹۶ هـ.ق) نام گرفت. این کتابخانه در مدرسه الفاضلیه در دمشق تأسیس شد.
۱۶. خزانه‌المدرسه الاشرفیه: توسط الملک الاشرف ماسوسی بن‌العادل الایوبی (متوفی ۶۳۵ هـ.ق / ۱۲۳۷ م) بنیاد گذاشته شد.
۱۷. خزانه‌المدرسه العادلیه: تأسیس در دمشق توسط العادل، برادر صلاح‌الدین (متوفی ۶۱۵ هـ.ق. / ۱۲۱۸ م)، دارای مجموعه بزرگی از کتاب بوده است.
۱۸. دیگر کتابخانه‌های مدارس دمشق، به مانند:
۱۹. اشبیلیه، البدریه، السیفیه، التنکیزیه، دارالحدیث، النوریه، دارالحدیث

الاشرفیه، و دارالحديث الديائیه.

۲۰. مکتبه النوریه و مکتبه الخانقاه السیساتیه. این دو کتابخانه در دمشق تأسیس شد.

۲۱. مکتبه المدرسه الفاضلیه در قاهره. این کتابخانه به توسط قاضی الفاضل ساخته

شد، و در آن یک صدهزار جلد کتاب گرد آورد. (۲۷)

بر این قرار شاهد بوده‌ایم که عامه توجه دقیقی به جمع‌آوری کتاب در گذشته دور مبذول می‌داشتند. در نتیجه این توجه، کتابخانه‌های عمومی و خصوصی در مساجد، کاخها، منازل شخصی، و نظامیه‌ها و مدارس دینی از اواخر قرن چهارم هجری ظاهر شدند. با این احوال، ضروری است تا اشاره‌ای خاص به مدارس نظامیه‌ی خواجه نظام‌الملک که در شهرهای مختلف دنیای اسلام بنا گردید، مبذول شود. این مدارس دارای کتابخانه‌هایی با مجموعه‌های غنی بود که کتابهای نایاب و نسخ خطی را در برداشت. مجموعه این کتابخانه‌ها به مرور زمان و با گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی به نحو مداوم افزایش می‌یافت. در حالی که زمینه دانش وسعت می‌یافت، مطالعه در نظامهای گوناگون رشد می‌کرد و با جدیت ترغیب می‌شد. پی‌آمد آن، کار تألیف و انتشار، به ویژه در زمینه‌های دینی، زبان‌شناسی و علوم انسانی از جذابیت زیادی برخوردار بود. عشق به کتاب و توجه به ایجاد کتابخانه‌های عمومی و شخصی، نه تنها در طول دوره امویان و عباسیان و پس از آن ادامه یافت، بلکه تا عصر حاضر باقی است.

جاحظ با توصیف ارزش کتاب و تأثیر آن بر زندگی جامعه اسلامی می‌گوید: "کتاب همدمی است که حوصله شما از آن سر نمی‌رود؛ یاری که کسالت آور نیست؛ شریکی که از آنچه حاصل کرده‌اید محروم‌تان نمی‌کند؛ دوستی که در معامله ریایی نمی‌ورزد؛ شخصی که از دورویی وی فریبی بر شما متمتع نمی‌شود؛ رفیقی که با دروغ شما را به دام نمی‌اندازد. با مطالعه کتاب دانش آدمی فزونی یافته، هوش اضافه شده، توان سخنگویی را افزوده، وسعت کلام را فزونی بخشیده، فکر را وسع بخشیده، احترام مردم و اعتماد به نفس را جهت‌دار می‌کند. علاوه بر این، از کتاب در طول یکماه مطلبی فرا می‌گیرید که در طول سالها از زبان مردم قادر نیستید. هرچند در وضعیت ثانوی، در اعتقاد به دانش صادق باشید، تمام سختیها را در طریق فراگیری آن تحمل کنید، در مقابل درب خانه‌های حاملان دانش در انتظار



باشید، و در جای قدوم آنها بنشینید که نسبت به شما در رفتار معنوی و احترام به اصالت خانوادگی برتر بوده، و تفرقه‌ها و حماقتها را با شکیبائی تحمل کنید. به علاوه، کتب در شب چونان روز در خدمت شما بوده، در ایام اقامت در خانه و نیز مسافرتها در حضور شما هستند. از خستگی به جهت بی‌خوابی و بیزاری از بیداری طویل شکایت نمی‌کنند. آموزگارانی که هرگاه به آنها نیازمند باشید از دسترسی به آنها ابایی نیست؛ در صورت قطع رابطه با شما مقابله به مثل نمی‌کند؛ هرگاه خود را دور نگاه دارید، از خدمت به شما غافل نخواهد بود؛ در برابر دشمنیهای مخالفان بر علیه شما نمی‌تابد، تا زمان همنشینی با آنها به شخص دیگری نیاز ندارید و اجباری نیست تا تنهایی را بر شریکی نامطبوع ترجیح دهید. کتاب شما را از نگرانیهای قصور مالی و سعادت مادی و فقدان لذت و شادی در زندگی آسوده‌خاطر می‌دارد. در واقع، انس با کتاب، با ترجیحی وافر و علاقه‌ای والا به منزله رحمتی بیکران است." (۲۸)

پس جای تعجب نیست که مردم عشق و علاقه قابلی به کتاب نشان می‌دادند زیرا در نتیجه شکوفایی این عشق و علاقه، کتابخانه‌های بی‌شماری در اقصی نقاط دنیای اسلام ظاهر شده بود. به دلیل این علاقه، توجهی شایسته به فعالیت‌های ترجمه به وسیله خلفا و امرا به نحو رسمی پدید آمد و بخت و اقبالی کامل مصرف آن گردید، علاوه بر این، تشویقی گران برای گردآوری، مقابله<sup>۱</sup>، تنقید<sup>۲</sup> و رده‌بندی کتاب مبذول شد. به اضافه، تلاش در استنساخ از کتب مهم نیز تسریع یافت. در نتیجه این فعالیت‌های فرهنگی، دکانهایی برای فروش کتاب پدید آمد. نخستین بار کتابفروشیها در اوایل دوران عباسیان ظاهر شد. پس از زمانی کوتاه، با سرعت بسیاری مغازه‌هایی چند در مراکز و شهرهای عمده دیگر دنیای اسلام گشایش یافت.

در این قسمت باید به این مطلب توجه کرد که از ابتدای ظهور اسلام مشعل آموزش، دینداری و پارسایی همراه دین بود. کتاب الهی، قرآن کریم، که منبع قانون اسلام بود، اساس تفکر اسلامی را فراهم آورد. در حالی که کتابخانه‌های اسلامی،

نقش اصلی را در تحول مجموعه کتب اسلامی ایفاء می‌کرد، شمار زیادی از آثار را در موضوعات مختلف اسلامی جمع‌آوری و بدین طریق میراث اسلامی را در گذر زمان حفظ می‌کرد. لیکن در زمان تهاجم اقوام وحشی و استعمار ملت اسلام به دست مغولها و صلیبیون به شدت خسارت دید، و نخستین قربانیان این حملات وحشیانه تلقی شد. در حالی که برخی از این کتابخانه‌ها کاملاً در آتش به خاکستر تبدیل شد، دیگر موارد مورد دستبرد قرار گرفته و توسط مهاجمان به یغما رفت. با توجه به کتابخانه‌های موجود، همان توجه و مراقبت صحیح به کتابخانه‌های مذکور مبذول نمی‌گردید، در مدت زمان کوتاهی این کتابخانه‌ها به مخزنهایی مبدل شد، اما در قرن بعد مجدداً شروع به شکوفایی کرده و مستمراً رشد یافت.

کتابخانه‌های اسلامی که پیش از این موسوم به "خزانه‌الکتب" و سپس به نام "مکتبه" یا "دارالکتب" شناخته می‌شد، نقش عمده‌ای را در زندگی فردی و اجتماعی به منظور فراهم‌آوری مواد فکری و ساختار آرمانهای عمومی ایفاء می‌کرد. اجازه دهید، دریابیم که چه نقشی کتابخانه‌های اسلامی به عهده داشت و چرا تا این حد مورد اهمیت است. (۲۹)

### نقش کتابخانه‌های اسلامی در جامعه اسلامی

در حالی که کتابخانه‌های اسلامی سرچشمه میراث اسلامی بود، وظیفه بسیار مهمی را انجام داده و خدمات مذهبی زیادی را فراهم می‌ساخت. برای دستیابی به این خدمات، ایجاد مساجد معمولی چونان مساجد جامع با پیدایش کتابخانه‌ها در حاشیه این مساجد الزامی بود. بر این قرار، هرگاه مسجدی بنا می‌شد، برای شرکت در آموزش بوده و هنوز هم هست. در سالهای اولیه، مساجد به منزله محلی برای دیدار تمام مسلمین، چه اعیان و اشراف یا مردم عامی و متوسط نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت. برای احقاق حق منازعه دسته‌های درگیر با هم، پرداخت وام بدهکاران، آماده‌سازی سپاهیان برای دفاع از قلمروهای مرزی، و دیگر مسائل زندگی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی از آن بهره می‌جستند. در حاشیه این مساجد کتابخانه‌هایی بود که علاوه بر نقش مذهبی، نقش علمی و اجتماعی را نیز به خوبی ایفا می‌کرد.

با توجه به نقش علمی، کتابخانه‌ها به منزله یکی از مؤسسات آموزشی و تربیتی مهم سودمند بود که به مانند مکاتب، مدارس، و مساجد توسط تمدن اسلامی ایجاد شد. مؤسسين مدارس بزرگ علاقمند بودند تا کتابخانه‌هایی در حاشیه مدارس آنها بنا شود که دارای کتابهایی در رشته‌های مختلف در فراگیری علوم اسلامی باشد. این کتابخانه‌ها بنیاد تعلیم و تعلم را برای مسلمانان فراهم می‌ساخت.

کتابخانه در اسلام به منزله یکی از مراکز یادگیری، تحقیق و نشر نیز به کار گرفته می‌شد. به این دلیل که کتابخانه‌ها، در مساجد معمولی و جامع قرار داشت، شامل کتابهایی در تمام رشته‌های علمی بود تا نیاز تحقیق و فضایل علمی را برآورده سازند. با این احوال، تعدادی از کتابخانه‌ها منحصراً در خدمت فراگیری و تحقیق عالی یا حوزه تخصصی در زمینه‌ای ویژه از علوم بود.

تاکنون به عنوان نقش اجتماعی که از کتابخانه در نظر بوده، آشکار است که کتابخانه‌ها در اسلام هرگز مکانی زاید و انباشته از گرد و خاک نبود، که توسط افرادی بیکاره بهره‌جویی شود تا کاری جز اتلاف وقت در کتابخانه نداشته باشند. متقابلاً، کتابخانه اسلامی به عنوان هیأت‌های اجتماعی به معنای واقعی در خدمت مردم بودند، محلی که اعضای جامعه و ساکنین محلی شهرگرد هم جمع شده تا از زندگی اجتماعی لذت ببرند. بهترین نمونه چنین کتابخانه‌ای "کتابخانه بصره" بود، آن طور که حریری در کتاب مقامات در قرن ششم هجری با ارائه گزارشی روشن از نخستین نمونه کتابخانه اظهار می‌کند، "آنجا مجلس و محل ملاقات صاحبان دانش و میعادگاهی برای افراد است". به واقع این کتابخانه، تنهاگونه از نوع کتابخانه‌ها به این سبک نبود؛ بسیاری از کتابخانه‌های دیگر در دنیای اسلام بر این طریق وجود داشت. علاوه بر نقش‌های مورد اشاره که به وسیله کتابخانه در جامعه اسلامی در طول قرون ایفا گردید، کارکردهای بسیاری که این کتابخانه‌ها فراهم می‌آوردند، متنوع بود. از آن دوره تا عصر حاضر، به مرور اصالت کتابخانه‌های اسلامی در حال توسعه بوده است. این کتابخانه‌ها با حداکثر مشارکت در فراهم‌آوری و افزایش میراث اسلامی دخالت داشتند. به علاوه مخازن، دانشی شدند که عطش یادگیری عالمان دین، خلفاء، امراء، طلاب، و دیگران را فرو می‌نشانند. کتابخانه‌ها در

مساجد، منازل علما، محدثان و ادبا، کاخهای خلفا و جانشین آنها؛ شهرهای بزرگ اسلامی و مؤسسات آموزشی گوناگون قرار داشتند.

چرا خلفاء، عالمان دین و دانشپژوهان با یکدیگر در تأسیس این کتابخانه‌ها با یکدیگر رقابت می‌کردند؟ زیرا که آنها کتابخانه را به منزله نماد رشد و توسعه و مظهر ملی فرهنگ و تمدن پیشرفته اسلام تلقی می‌کردند. بر این قرار تخریب و ویرانی کتابخانه اسلامی آماج اصلی و هدف عمده دشمنان اسلام و جامعه اسلامی بود. علل نهانی دشمنان اسلام در تخریب کتابخانه‌ها مبتنی بر آن بود تا مصیبتی مرگ‌آور را بر تفکر اسلامی وارد کنند. بر چنین مبنایی، خیزش هلاکوخان در سال ۶۵۶ هـ.ق، موجب شد تا کتابخانه "دارالحکمه" بغداد و "القضاء" سلسله عباسیان را به خاکستر تبدیل کند.

بنابراین وظیفه اصلی مسلمین، توجه به هر نوع کتابخانه اعم از شخصی و عمومی است، تا به عنوان سرچشمه دانش به طور کلی و به ویژه در فراگیری علوم اسلامی مورد توجه قرار گیرند. به علاوه، باید بدون وسواس کوشش خود را در گردآوری کتابها و نسخ خطی نایاب و گرانبها مصروف کنیم. در دوران مدرن، کشورهای صاحب کتابخانه و میراث فرهنگی به این مجموعه‌ها احساس افتخار می‌کنند. ملل اسلامی و امت مسلمان بیش از دیگران شایسته این ادعا و افتخار هستند. بنابراین، بایستی به بنای کتابخانه‌ها به صورت کلی، و کتابخانه عمومی به خصوص در شکل نوین توجه لازم نمود و آنها را با بهترین متخصصین و آخرین ابزار و امکانات کتابداری تجهیز کنند. به علاوه، مراکز آموزشی باید اصلاح شود و در آنها میلیونها جلد کتاب در موضوعات گوناگون مفید از زمینه‌های متنوع سازماندهی شود. بر این مبنای، از یک طرف کتابخانه‌ها روابطی نزدیک و مستحکم‌تر با یکدیگر برقرار ساخته، از سوی دیگر پیوندهایی با ذخایر علمی دنیای دیگر ایجاد و برقرار کنند.

## منابع

۱. عبدالستار الحلوجی. لعمات من تاریخ الكتب و المكتبة. ص ۳۳.
۲. وفيات الاعیان و انباء الزمان. چاپ محی الدین عبدالحمید. (مکتبه النهضه المصریه، قاهره، ۱۹۴۸)، ج ۱. ص ۱۲۶.
۳. معجم البلدان. ج ۴. ص ۵۰۹.
۴. همان، ج ۸ ص ۳۵.
۵. اصول الحدیث. ص ۱۹۱. در جامع بیان العلم. ج ۱، ص ۷۲.
۶. ابن سعد. الطبقات الکبری، ج ۵، ص ۲۱۶.
۷. همان، ج ۵ ص ۱۳۳.
۸. الاجاج الخطیب. المکتبه و البحث و المصدر، ص ۲۳؛ نیز عبدالرحمن عمیره. ادواء الاء البحث و المصدر، ص ۸۱.
۹. ابن خلکان. وفيات الاعیان، ج ۳ ص ۳۱۷.
۱۰. الجاحظ. البیان والتبیین. ج ۱، ص ۳۲۱.
۱۱. الصفهانی، ابونعیم. اخبار اصبهان (لیدن: بریل، ۱۹۱۳)، ص ۸۵.
۱۲. ارباب القرطبی. صلة التاریخ الطبری. (المکتبه التجاریه: قاهره، ۱۹۳۹)، ص ۸۴.
۱۳. نفع الطب. ج ۱، ص ۳۶۲.
۱۴. همان. ج ۱، ص ۳۶۲.
۱۵. یاقوت، معجم الادباء ج ۴، ص ۲۵۹.
۱۶. ابن آمار دور از اغراق نیست.
۱۷. صلاح الدین المختار. قواعد فهرست المخطوطات العربیه. ص ۱۶.
۱۸. یاقوت الحموی. معجم البلدان. ج ۶. ص ۲۵۹.
۱۹. همان، ص ۱۶. نیز نگاه کنید به: ابن کثیر. البداية و النهایه، ج ۱۴. ص ۱۳۴.
۲۰. صلاح الدین المختار. پیشگفته. ص ۱۹-۱۸.
۲۱. ابن ندیم. الفهرست. ص ۱۰۷-۱۰۸.
۲۲. صلاح الدین المختار. قواعد فهرست المخطوطات العربیه (بیروت: دارالکتاب الجدید، ۱۲۹۶ هـ)، ص ۱۳.
۲۳. عبدالستار الحلوجی. لعمات من تاریخ الكتب و المكتبة، ص ۳۴.

۲۴. همان. ج ۱. ص ۴۶۶. نیز نگاه کنید به: عبدالرحمن عمیره، پیشگفته، ص ۸۱-۸۲.
۲۵. ابن الفوطی. الحوادث الجامعة و التجارب النافعة: فی المائة السابعة (بغداد: المكتبة العربية، ۱۹۳۲)، ص ۵۴.
۲۶. ابن اثیر. الكامل فی التاريخ. ج ۸، ص ۲۲۹.
۲۷. تقی الدین المقریزی. المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار. ج ۱. ص ۴۰۹.
۲۸. الجاحظ. کتاب الحيوان. چاپ فوزی عطاوی. ج ۱، ص ۳۳-۳۵.
۲۹. عبدالرحمن عمیره. پیشگفته، ص ۸۴.